

مسئولیت همگانی

بحث آزادی سیاسی به « آزادی بیان و قلم »
 منتهی نرسید؛ آنگاه « مشخصات حکومت‌های
 دموکراسی و استبدادی » توضیح داده شد؛
 اینک یادبایا همان بحث؛ توجه فرمائید.

در حکومت اسلامی که بر اساس « شورا و امر به معروف و نهی منکر »
 پایه‌ریخته شده است (۶) نه فرما از سوی
 مسلمان و عیث حاکمه حق دارد، مردم تا از
 دخالت در امور جاری مملکت و به استیلا
 « محاسبه منع کند، و نه ملت حق دارد، تمام
 از مسئولیت اداره کشور را بدوش خود نهد و
 او گذاشته، خود را بطور کلی از امور جاری
 برکنار دارد. *
 بلکه از نظر آئین اسلام، کشور اسلامی
 مثال همه مردم است و تمام افسراد کشور، از
 زمین حکومت گرفته تا دیگر آحاد ملت همه
 و همه برای بهتر اداره کردن آن، موظف و
 مسئولند: « الا کلکم راع و کلکم مسئول عن
 راعیه (۲) نهایت آنکه مسئولیت بعضی از
 بعضی دیگر سنگین تر و خطیرتر خواهد بود.
 اسلام، برای دخالت دادن تمام افراد
 در امور جاری مملکت، و احساس مسئولیت
 کردن آحاد مردم، در تلاش برای بهتر اداره

(۶) در جای خود، به ثبوت رسیده که سیستم حکومتی اسلام، نه از نوع حکومت
 استبدادی است و نه از نوع حکومت مردم بر مردم، بلکه یک نوع حکومت آزاد و دموکراسی
 حسی است که در عین احترام به افکار عمومی و حاکمیت ملی بر پایه حق و عدالت استوار است
 برای اطلاع بیشتر، مراجعه شود به کتابهای « تنزیه الملة و تنسیب الامة - نظام الحكم والادارة
 فی الاسلام ».

(۲) آنگاه باشد، عهدها نگهبان و فرمانروا عشید و در برابر فرمانبرداران خویش
 مسئولند (مجموعه ورام ص ۶)

کردن امور جاری کشور ، راهها و دستور -
 المسلمات خاصی قرار داده که روح همه آنها همان
 اصل و آزادی بیان و قلمه است که دومین پایه
 و آزادی سیاسی و تشکیل میدهد .
 و اما اینک به برخی از آنرا عمیقاً دستور العملها
 اشاره کرده تفصیل آن را به جای خود ، موکول
 میکنیم ؛

۱- مشورت و تبادل نظر

در حکومتی استبدادی ، لایحه مردم دسترس
 به نمایندار ، ندارد . و نه نمایاندار ، به مردم
 حق اظهار نظر میدهد ، ولی در حکومت اسلامی
 هر درپ خانه و حاکمه ، بروی مردم ، باز است ،
 و هم مردم موظفند هر گونه نظر اصلاحی که
 داشته باشند ، را او در میان بیاورند . کارهای
 جاری مملکت را با مشورت و تبادل نظر ،
 انجام دهند .

علی علیه السلام ، خطاب از آنکه در سفر
 در مقابل پیش از پنجاه هزار نفر ، ایراد فرمود
 و در آن ، حقوق والی بر ملت و حقوق ملت ،
 بر والی را بطور شروح ، مورد بررسی قرار
 داد ، در این باره چنین فرمود : «بما من اعلم
 که با حاکمان سخن گفته شود ، سخن نگویند ،
 و چنانکه در برابر مردمان بی ناله و متکبر ، از
 گفتن حق ، خودداری میشود ، از من خود
 داری نکنید ، باین ناظر سازی آمیزش نمایم ،

(۱) تہج البلاغ جلد ۲ ص ۲۲۷

(۲) سوره شوری آیه ۳۸

تبادل نظر و محدود کردن قدرت دولت است ،
 اصیبت ، قائل شده است .

پیغمبر اسلام : پایا نرائش مشورت میکند .

در سال سوم از هجرت ، کفار قریش ، برای
 اتمام آثار دین و نابودی مسلمین ، سازو کار
 جنگی مهمی ، فراهم کرده ، به جانب مدینه
 حرکت نمودند .

وقتی که این خبر ، به پیغمبر اسلام ، رسید
 حضرت ، با اصحاب و یارانش ، راجع به جنگ و گریز
 و فرود شدن یا دشمن وجهه جنگ ، مشورت
 نمود .

پیروزی در جنگ «بدر» که یکسال پیش
 از این واقعه رخ داده بود ، برای بنی اجداد
 ضرور نبود آنها هم که در آن جنگ نبودند ،
 میخواستند ، در این کارزار ، تلافی و خود تمامی
 کنند . باین جهت رای اکثریت ، این شده
 سر بازان اسلام ، از شهر مدینه بیرون روند و
 در نهدان وسیعی باقریش درگیر شوند .

ولی نظر پیغمبر اسلام ، با عده کمی ، این
 بود که در مدینه بمانند و کوجه ها و خانه ها را
 مستحکم کرده قرار دهند که اگر فشار دشمن ، شدت
 یافت ، آنان داخل محکم زمین خانه ها و بالای
 آنها پدافح ، برافزاندند . چون رای اکثریت
 بر خلاف نظر پیغمبر ، این بود که از مدینه
 بیرون بیروند ، از این جهت ، رسول خدا از
 عقیده آنها پیروی نمود ، و بهمراد سر بازان ،

از مدینه بیرون رفته در «احده سنگر گرفتند .
 در این وقت آیه ۱۵۹ سوره آل عمران ،
 باین شرح نازل گردید : « فاعض عنہم واستغفر
 لهم و ماور ہم فی الامر - از لغزشها و درشتی
 آنان ، در گذر ، و برایشان ، استغفار نما و در
 پیش آمدها با آنها مشورت کن . »

منظور از این آیه اینست که مبادا مشکلاتی
 که از این تبادل نظر و مشورت در جنگ احد
 بوجود آمد باعث شود ، از این قاعده اصولی
 که پایه نخستین و حکومت دموکراسی است ،
 دست برداشته به آراء مردم بی اعتنا ، شوی ،
 خیر ، با آنها مشورت کن ، بگذار این عمل ،
 بشکل یک قانون کلی و سنت قطعی ، در میان
 مسلمین ، باقی بماند ، و بدینوسیله « آزادی
 سیاسی » محترم شناخته شود .

با آنکه پیغمبر و امام ، از خطا و اشتباه
 مصون هستند ، در عین حال ، خداوند آنها را
 به مشورت و تبادل نظر ، امر میکند و آنها نیز
 مانند دیگران مأمورند در امور جاری مملکت
 با مردم ، مشورت و تبادل نظر نمایند .

این حکم ، جز بحاطر این نیست که اسلام
 بدینوسیله میخواهد اصول استبداد را ریشه کن
 کند و اصل حاکمیت ملتتها و حکومت مردم بر مردم
 را در امور جاری مملکت ، مقدس شمارد (۱)

و لذا خلفا ، و جانشینان پیغمبر نیز ، در
 پیش آمدها و حوادث مملکتی و طرح نقشه ها

(۱) تفسیر المنارج ص ۲۰۳ - مجمع البیان ج ۲ ص ۵۲۶ - روح الدین الاسلامی ص -

۲۷۳ - تتر به الملقوت بیه الامه آیه نائینی .

